

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب :

نام کتاب: رسیدگی به امور مربوط به دیه جراحات (۱)

محقق: سید حسین بطحائی

کارشناسی و تنظیم: بهرام یاربیگی، فهیمه سلطانی، امیر علی رضایی نژاد

نظارت: غلامرضا موحدیان، مهدی خالصی

تایپ: سمیه شاگردی

صفحه آرای: سمیه شاگردی



معاونت آموزش قوه قضائیه

رسیدگی به امور مربوط به

دیه جراحات (۱)

اداره کل آموزش کارمندان

اداره آموزش شورای حل اختلاف

۱۳۸۶

قوه قضائیه، معاونت آموزش

رسیدگی به امور مربوط به دیات ج ۱ (جراحات) - گام به گام با شورای حل اختلاف (۱۷) /
تهیه کننده اداره کل آموزش کارمندان - اداره آموزش شورای حل اختلاف. - قم: نشر قضا :

۱۳۸۶

۲۴ ص. - (نشر قضا: ۳۱۳)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۴-۱۱۴-۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱. شورای حل اختلاف -- قوانین و مقررات -- ایران. ۲. حل اختلاف -- ایران. الف. اداره
کل آموزش کارمندان، معاونت آموزش. ب. عنوان.

۳۴۷/۵۵۰

KMH ۱۸۲۹/۹۹ق

۱۳۸۶



رسیدگی به امور مربوط به دیات ج ۱ (جراحات)

زیر نظر معاونت آموزش قوه قضائیه، اداره کل آموزش کارمندان

ناشر: نشر قضا

چاپ اول: قم، پاییز ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰ هزار نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صمافی: اسراء

* * *

همه حقوق ویژه ناشر است

«نسخه حاضر از بودجه بیت المال تهیه شده و قابل خرید و فروش نمی‌باشد»

«نظریات مطروحه در این کتاب الزاماً دیدگاه معاونت آموزش قوه قضائیه نیست.»

تهران: مفاظ شمالی، روبروی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نبش ف. سمیه، ساختمان شماره ۳ قوه قضائیه

معاونت آموزش قوه قضائیه تلفن: ۴۰ - ۸۸۹۲۳۶۲۳ و ۷۰ - ۸۸۹۱۹۴۶۵ (۰۲۱)

پست الکترونیک: info@law-training.ir



فهرست مطالب

- ۷..... مقدمه
- ۸..... پیش گفتار
- ۹..... ديه و صلاحيت شوراي حل اختلاف
- ۱۰..... ديه چيست؟
- ۱۰..... تفاوت ديه و ارش
- ۱۱..... آيا پرداخت ديه الزامي است؟
- ۱۱..... تقسيم سه گانه جنايات و جراحات
- ۱۲..... نتيجه گيري
- ۱۲..... جنايات و جراحات توسط کودکان
- ۱۳..... جراحات ساده
- ۱۴..... جراحات ساير اعضا
- ۱۵..... ديه تغيير رنگ پوست و تورم آن
- ۱۵..... مهلت پرداخت ديه
- ۱۶..... شروع به رسيدگي ديات در شوراي حل اختلاف



- دستور ثبت شکوائیه و عرضحال مدنی و ارجاع به شعبه شورای حل اختلاف ۱۶
- نمونه قرار استماع شهادت شهود ۱۸
- ادامه رسیدگی و استماع شهادت شهود ۱۸
- اعلام ختم رسیدگی و رأی شورای حل اختلاف ۱۹
- نمونه رأی - حکم به رد دعوی ۲۰
- نمونه رأی غیابی ۲۰
- نمونه واخواهی از رأی غیابی ۲۱
- اجرای احکام دیات جراحتهای ساده در شورای حل اختلاف ۲۲



حضرت آیت ا... هاشمی شاهرودی (رئیس محترم) قوه قضائیه:

«برخی مفاهیم و موضوعاتی که به لحاظ نوپیدایی و نیاز دستگاه مناسب است در اولویت برنامه های آموزشی قرار گیرد به قرار ذیل است: ...توسعه و تعمیق آموزش های مربوط به اعضای شوراهای حل اختلاف و نیز دبیرخانه آنها به منظور کارآمدسازی و ارتقای سطح علمی و عملی شوراهای حل اختلاف»

شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی پایه گذاری شدند و آیین نامه اجرایی قانون مزبور در مرداد ۱۳۸۱ به تصویب هیأت محترم وزیران و سپس به تأیید رئیس محترم قوه قضائیه رسید، ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه نیز مهلت اجرای آن را تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸) تعیین نموده است.

به موجب آیین نامه قانونی مزبور و برنامه پنج ساله دوم توسعه قضایی و همچنین تأکیدات مکرر ریاست محترم قوه قضائیه، امر آموزش اعضای شوراهای حل اختلاف در اولویت برنامه های آموزشی معاونت آموزش قوه قضائیه قرار گرفته و از سال ۱۳۸۱ تاکنون دوره های آموزشی متعدد و متنوع تدوین و اجرا و منابع آموزشی مختلف اعم از کتاب و کتابچه به زبان ساده تهیه و در سطح کشور توزیع شده است و این روند تکاملی تداوم دارد. متون آموزشی که در قالب کتابچه و تحت عنوان «گام به گام با شورای حل اختلاف» تدارک شده و کتابچه حاضر نیز نمونه ای از آن است به دلیل سادگی و انتقال صریح مفاهیم و تبیین نحوه رسیدگی صحیح در شوراها با استقبال گسترده اعضای شورای حل اختلاف مواجه شده و این معاونت توسعه و تقویت آن را در دستور کار دارد، ضمن اینکه آگاهی از کاستی ها می تواند ما را در غنی سازی مجموعه متون آموزشی توانمند سازد امید داریم کتابچه حاضر مورد استفاده علاقمندان قرار گرفته و از نظریات اصلاحی صاحب نظران بهره مند شویم.

معاونت آموزش قوه قضائیه



پیش گفتار

در منابع غنی اسلام که سرمایه ای بس ژرف و عمیق در نهادهای مختلف آن جهت تکامل و رشد فردی و اجتماعی به ودیعه نهاده شده و وفق بیکرانی فراروی بشریت را نوید می دهد، کاوشگران و محققان منصف هرچه با دیده وجدان بدان نزدیکتر می شوند افقهای جدیدتر و تأسیسات مترقی تر که با فطرت پاک انسانی همسو می باشد بسوی آنان گشوده می شود در این راستا حرمت، کرامت انسانی، آزادی او نسبت به سایر مفاهیم از همه روشنتر است و روح و جسم او مورد دفاع قرار گرفته و کوچکترین اغماض و چشم پوشی نسبت به تعرض به انسان و جسم و جان و مال و عرض و شخصیت او دیده نمی شود. همانگونه که متعرضین به روان انسانها مورد عتاب و خطاب خداوند هستند هیچگونه تعدی و ظلم به جان و جسم انسان بدون پاسخ در مکتب حیاتبخش و جاودانه اسلامی نیست^۱ حاکمیت اسلامی منبعث از قدرت لایزال الهی است. جامعه اسلامی مسئول جبران خسارت هرگونه تعرضی حتی کوچک به انسان و جسم و جان اوست. جبران خسارتهایی که در زندگی اجتماعی بطور عمد یا شبه عمد یا حتی خطا به جسم و یا جان او در غالب قوانین و مقررات جزایی و مدنی تثبیت گردیده است.

حمایت از زیاندریده موجب وضع قانون دیه گردیده و از ضروریات فقه و حدود جزایی اسلام است.

ابابصیر می گوید امام ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) با دستان مبارک خویش فشاری بر بدن من وارد آورد و قبل از آن به من فرمود: ای ابا محمد (کنیه ابا بصیر) آیا از تو اجازه دارم عرض کردم فدای شما شوم من از آن شما میم هرچه که میخواهی انجام ده سپس اضافه نمود: حتی دیه این مقدار که بر اثر فشار بر جسم تو وارد نمودم در شرع مقدر و اندازه گیری شده و میزان دیه آن معلوم گردیده است.^۲

^۱ - قرآن کریم سوره مبارکه نساء آیه ۹۱.

^۲ - کتاب شریف کافی، جلد ۲ - صفحه ۲۳۹ تألیف محمد بن یعقوب کلینی.



دیه و صلاحیت شورای حل اختلاف

براساس ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف را احصاء نموده زیانهای ناشی از جرم و ضمان قهری تا نصاب ده میلیون ریال الزاماً در صلاحیت شوراهای حل اختلاف قرار گرفته است. در امور جزایی در صورتیکه رسیدگی به موضوع اختصاصاً با شکایت شاکی آغاز و با گذشت وی تعقیب موقوف شود و نیز در امور مدنی چنانچه از نصاب مذکور بیشتر باشد، ولی مذاکرات طرفین به منظور ایجاد سازش بین طرفین با هر نصابی می تواند در شورای حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گیرد. در جرایمی هم که میزان مجازات آن کمتر از پنج میلیون ریال جزای نقدی باشد، چنانچه در شورای حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گیرد، مجاز است. لازم به ذکر است مطالبه دیه از حیث جزایی اولاً و بالذات در صلاحیت شورا نیست لکن، در صورت طرح دعوای مدنی رسیدگی به دعوی مدنی دیه تا میزان ده میلیون ریال و در صورت تراضی تا هر میزان که باشد منعی در جهت رسیدگی در شورای حل اختلاف وجود ندارد و خسارتهای وارده به اموال و دارایی افراد از مسئله دیات خارج و تحت عناوین جداگانه قابل بررسی است، اضافه می نماید همانگونه که اشاره شد در آیین نامه مربوطه؛ مذکور است کلیه شکایاتی که رسیدگی به آن با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او تعقیب موقوف می شود برای سازش و مصالحه قابل ارجاع به شورای حل اختلاف است در این رابطه نیز اعضای شورا لازم است با مفاهیم دیه و آرش و چگونگی تعیین میزان دیه و تبدیل آن به ارقام ربالی آشنا باشند، تا در صورت تمایل طرفین به مصالحه و سازش با احتساب دقیق میزان دیه و با اطلاعات کافی مصالحه را تسهیل نموده و دو طرف نیز بدینوسیله از میزان حقوق خود اطلاع حاصل، و پس از آن در صورت تمایل با گذشت قسمتی از مبالغ یا تمام دیه متعلقه مصالحه نمایند.

بنابر مراتب فوق لازم دانسته شد متونی به زبان ساده جهت آشنایی اعضای شورای حل اختلاف تدوین شود.



دیه چیست؟

از نظر لغت، دیه از کلمه وَدِیّ اخذ شده حرف واو از اول آن حذف و بجای آن حرف (هـ) در آخر اضافه شده، بدون تشدید به معنای رفع و جلوگیری است مانند کلمه (عِدّه) که از وَعَد گرفته شده، ولی در اصطلاح فقها و حقوقدانان، به آن مقدار مالی که به سبب جنایت (در امور عمدی)، یا ضایعه در امور غیر عمدی، چه در نفس، دیه نفس و چه در اعضاء و جوارح، که به آن طرف هم گفته می شود و جمع آن دیه اطراف است از طرف جرح و جانی و ضارب به زیاننده یا مجنی علیه پرداخته می شود.

تفاوت دیه و ارش

گرچه بین این دو اصطلاح مشابهت های زیادی از نظر کلی وجود دارد که عمدتاً بلحاظ ضایعات و جراحات بدنی و نیز جبران خسارات لزوم پیدا می کنند و در هر دو مورد جانی و زیاننده، در مقدار پرداخت و نیز مهلت آن می توانند با یکدیگر تراضی نمایند، ولی تفاوت هایی هم دارند. به علاوه ارش در تفاوت قیمت هایی که در اجناس وجود دارد و در خیار عیب در بیع و غیره بکار می رود، ولی ارش و دیه تفاوت اساسی در قانون دیه و مقدار دارند. که در مواردیکه قانونگذار با صراحت مقدار جراحت یا جنایتی که از سوی جرح و جانی به زیاننده و مجنی علیه تعیین نموده باشد، بدان دیه ولی در صورتیکه مقدار جنایت و آثارش در قانون با صراحت تعیین نشده و تعیین آن با نظر دادگاه و جلب نظر کارشناس باشد، بدان ارش می گویند. در مورد مشابهت های دیه و ارش و همچنین تفاوت های اساسی آن در کتاب های مفصل بحث شده که طالبین می توانند مراجعه کنند.^۱ بنابراین هر جنایتی که بر کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاص بعنوان دیه برای آن جنایت تعیین نگردیده باشد، جانی الزاماً با نظر دادگاه و کارشناس ارش می پردازد.^۲

^۱ - جواهر الکلام محمد حسن مجفی جلد ۴۲ - ص ۱۶۸ چاپ درالکتب اسلامیه.

^۲ - قانون مجازات اسلامی ماده ۳۶۷.



آیا پرداخت دیه الزامی است؟

در جنایتی که به اعضاء و جوارح جسم انسانها وارد میگردد، گاهی قصاص امکان پذیر است. یعنی در صورت عمدی بودن جنایت و جراحت از سوی جانی و جرح که با قصد فعل عامدانه و نیز قصد نتیجه گیری مبادرت به ایراد جرح و جنایت به مجنی علیه می نماید، مجنی علیه اختیار دارد همان عملی را که جرح بطور عمد بر وی وارد نموده، قصاص نماید. قرآن کریم می فرماید ((و ما برایشان فرض و واجب نمودیم که جان آدمی، در مقابل جان آدمی وجود دارد و اعضاء او همانند چشم و بینی و گوش و دندانها و سایر جراحتهای، همانند جانی می تواند توسط مجنی علیه جبران گردد)) و مجنی علیه همانگونه که جانی عمداً مبادرت به ایراد جنایت در کور کردن عمد یا بریدن گوش و کر نمودن یا دندان و سایر اعضاء را دچار صدمه نموده، جبران نماید و قصاص نماید. همانگونه که مجنی علیه اختیار عفو نمودن و دیه گرفتن دارد که در صورت اخیر برای او بهتر و کفاره گناهان او نیز خواهد شد.^۱ از این آیه مبارکه استفاده می گردد، در جنایت عمدی که امکان تساوی در تقاص جنایتی که توسط جانی تحقق پذیرفته، وجود دارد، فقط امکان قصاص هست و در همین مورد مجنی علیه می تواند دیه نیز بگیرد و در اینصورت الزام برای اخذ دیه نیست، ولی در سایر موارد جنایات مثل شبه عمد یا خطاء محض، گرفتن دیه الزام خواهد داشت و امکان قصاص برای وی وجود ندارد.

تقسیم سه گانه جنایات و جراحات

در یک تقسیم بندی کلی، جرائم علیه جسم آدمی، به سه قسم تقسیم می گردد. قسم اول را جنایت و جراحت عمدی می نامند، که جانی و جرح هم قصد فعل و هم قصد نتیجه گیری دارد و از فعل خود نتیجه ای که تصمیم دارد نیز می گیرد، این نوع جنایت را ((عمد)) می گویند. در مقابل گاهی جانی قصد فعلی خاص را دارد و بهیچوجه قصد نتیجه ای که از فعل و انجام عمل او پیش آمده ندارد و اتفاقاً نتیجه که جرح یا جنایت یا قتل است، محقق می گردد، مثلاً در جرایم رانندگی که منجر به ایراد جراحات می گردد راننده بهیچوجه قصد ایراد ضرب و جراحت

^۱ - قرآن کریم - سوره مبارکه مائده - آیه شریفه ۴۵



یا قتل را ندارد ولی بلحاظ عدم مهارت و عدم توجه به مقررات راهنمایی و رانندگی نتیجه ای که قصد انجام دهنده نبوده، محقق می گردد این را شبه عمد می گویند.

جراحات ناشی از عملیات ورزشی و عملیات جراحی اطباء و تأدیب کودکان و کشتی گیری مرسوم در اعیاد و عروسیها اگر منجر به ایراد صدمه شود، آنرا شبه عمد دانسته اند، نهایتاً گاهی انجام دهنده نه قصد انجام فعلی بر روی مجنی علیه و نه قصد نتیجه را ندارد، مثل آنکه شخصی در خواب غلطیده و بر روی طفلی یا ناتوانی افتاده و دچار مرگ یا جراحات بدنی شود، یا شخصی در حال تیراندازی بسوی شکار یا شخص دیگری را دچار جراحی یا مرگ نماید، این قسم اخیر را خطاء محض می نامند در مورد این موارد در جزوه دیگر دیات با عنوان، «دیه نفس» توضیح بیشتری درخصوص موارد سه گانه خواهیم داد.

نتیجه گیری

با توجه به تقسیم سه گانه جراحات و جنایات و ضایعات وارده به جسم انسانها روشن شد که در کدامیک از موارد سه گانه، اخذ دیه از جراح و جانی الزامی و در چه مواردی اختیاری، و در محدوده خواست مجنی علیه است. **قسم دوم و سوم جنایات که در تقسیم بندی از آنها بعنوان شبه عمد و خطای محض یادشد** اخذ دیه الزامی و در مورد اول جنایت عمدی که امکان تساوی وجود نداشته باشد نیز اخذ دیه الزامی است فقط در صورت اول جنایات عمدی که امکان تساوی وجود داشته باشد اخذ دیه در حوزه اختیارات مجنی علیه است، همانگونه که می تواند قصاص نماید. بند ج ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، مواردی از جنایت عمدی را که قصاص در آنها جایز نیست مستلزم پرداخت دیه دانسته است.

جنایات و جراحات توسط کودکان

کودک نابالغ تا به سن بلوغ نرسیده و همچنین دیوانگان که مبتلا به جنون هستند، که افعال اختیاری آنان تابع اراده عقلانی نیست به هر درجه ای که باشد در صورت تحقق جنایت و جراحی توسط آنان عمدی تلقی نمی گردد و عمد آنان ملحق به خطاست و جنایت ایشان خطایی قلمداد گردیده است. در مورد اینکه دیه آنها توسط چه کسی پرداخت می شود آیا



ولی آنها باید دیه را بپردازد یا عاقله انشاء... در بحث دیه نفس به تفصیل پیرامون عاقله سخن خواهیم گفت. نکته مهم در اینجا آنستکه عمد اطفال که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشند و نیز مجانین که جنون آنها به حدی که در افعال اختیاری، تابع اراده نیست و این موضوع باید توسط پزشکی قانونی تأیید گردد، خطا می باشد.

جراحات ساده

جراحی که بر سر و صورت انسان وارد می شود، از نظر قانون جزا نسبت به جراحی که به سایر اعضاء بدن وارد می گردد، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. اصطلاحاً به جراحات وارده به سر و صورت شجّه می گویند که جمع آنان شجاج است ولی صدمات وارده به سایر اعضاء بدن مثل گردن یا دست و پا را جراح، می نامند. با این توضیح اینک به جراحات وارده به معرفی انواع سر و صورت می پردازیم:

۱- **حارصه:** خراش ساده ای را می گویند که به سر یا صورت فردی وارد شود ولی خون جاری نگردد مقدار دیه آن یک صدم دیه کامله می باشد. لازم به ذکر است که بر اساس بخشنامه شماره ۱۱۱/۰۲/۱۳۴۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۹ که به مراجع قضایی سراسر کشور ابلاغ گردیده در اجرای ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی با توجه به فتوای مقام معظم رهبری با اخذ نظریه مراجع خیره کشور قیمت سوقیه اعیان سه گانه موضوع احکام دیه مندرج در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی برای اجرا در سال ۱۳۸۶ مبنای محاسبه دیه قرار می گیرد، بنابر این اگر بند ۱ ماده ۲۹۷ که ارزاترین انواع آن می باشد توسط جانی انتخاب شد. در جراحات حارصه مبلغ سه میلیون و پانصد هزار ریال یعنی یک صدم دیه کامله توسط جانی به مجنی علیه پرداخت می گردد، زیرا ارزش ریالی دیه کامل سیصد و پنجاه میلیون ریال است.

۲- **دامیه:** و آن خراشی است که به سر یا صورت وارد شده و از پوست بگذرد و وارد گوشت شود و معالجه آن نیاز به بخیه کردن ندارد و دیه آن دو صدم دیه کامله و دو برابر دیه حارصه است.

۱- براساس بخشنامه فوق الذکر در حال حاضر (سال ۱۳۸۶) دیه کامل یک انسان ۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال تعیین گردیده است.



- ۳- **ملاحظه:** جراحات وارده به سر و صورت که موجب بریدگی عمیق شود ولی به استخوان نرسد و بزودی بهبودی پیدا کند و دیه آن سه صدم دیه کامله است.
- ۴- **سمحاق:** از جمله جراحات سر و صورت (شجاج) است که جراحت عمیقی به مجنی علیه وارد، که علاوه بر جراحات قبل به پوست نازک روی استخوان می رسد، و دیه آن چهار صدم دیه کامله است.
- ۵- **موضحه:** جراحات وارده به سر و صورت که عمق آن علاوه بر پاره نمودن گوشت به استخوان رسیده و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار نماید و دیه آن پنج صدم دیه کامله است.
- ۶- **هائسمه:** جراحی است که استخوان را می شکند و شاید هیچگونه جراحی هم تولید ننماید و دیه آن ده صدم دیه کامله بعبارتی یکدهم دیه کامله می باشد و این در صورتی است که درمان آن نیاز به جراحی ندارد.
- ۷- **منقله:** جراحی است که علاوه بر شکستن استخوان درمان آن با جابجایی و عملیات جراحی و نصب پلاک و نظایر آن امکان پذیر است و دیه آن پانزده درصد دیه کامله می باشد.
- ۸- **مأمومه:** جراحی در صورت یا سر وارد شده که استخوان جمجمه را شکسته و به پرده های مغزی رسیده که در اصطلاح ام‌الرأس یا ام‌الغیط، ام‌الرقیق ناصه (سخت شامه) گویند و دیه آن یک‌سوم دیه کامله انسان است.^۱

جراحات سایر اعضا

اقسام ذکر شده در فصل قبل مختص به جراحات سر و صورت است، ولی چنانچه جراحات ذکر شده در سایر اعضا بدن وارد شود فی‌المثل در پا یا دست یا گردن واقع شود، یا مثلاً جراحت وارده بر انگشتان مجنی علیه وارد شود یا بر بند انگشتان که در آینده پیرامون دیه اعضا به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. اگر آن عضو خود دارای دیه معینی باشد نسبت دیه آن را با دیه کامل

^۱ - دیه کامله انسان براساس ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی یکصد شتر سالم یا دویست گاو سالم یا یکهزار گوسفند سالم که خیلی لاغر نباشد و براساس بخشنامه ۱۱۱/۲۰/۱۸۴۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۹ و وزیر دادگستری در مورد شتر دیه کامله ۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ می باشد و یک سوم دیه به این نحو محاسبه می گردد



خواهیم سنجید و به مقدار همان نسبت دیه جراحی را که در غیر سر و صورت واقع شده تعیین می‌نمائیم. فی‌المثل اگر جراحات وارده مثل حارصه یا دامیه در دست چپ واقع شود چون یکدست دارای نیم دیه کامله است، جراحات وارده بر دست به نیم تقلیل می‌یابد و چنانچه جراحات وارده بر اعضا یگانه که دارای یک عضو هستند وارد شود مثل جنایت وارده بر سر و صورت خواهند بود البته اگر آن عضو دارای دیه معینی نباشد، با جلب نظر کارشناس و نظریه قطعی پزشکی قانونی ارش تعیین خواهد شد.

دیه تغییر رنگ پوست و تورم آن

چنانچه ضربه وارده بر اعضا موجب فقط تغییر رنگ شود، که گاهی ضربه در صورت واقع می‌شود گاهی در غیر صورت، گاهی سیاه‌شدگی و گاه کبودی و گاه فقط قرمز می‌گردد سیاه‌شدگی در صورت مستلزم پرداخت شش‌هزارم دیه و کبودی صورت سه‌هزارم دیه و قرمزی صورت سه‌هزارم دیه کامله است، و در سایر اعضا بدن سیاه‌شدگی سایر اعضا بدن سه‌هزارم دیه کامله و کبودی سایر اعضا بدن سه‌هزارم دیه و قرمزی سایر اعضا بدن سه‌چهارهزارم دیه کامله می‌باشد، در دیه تغییر رنگ تفاوتی بین بزرگ و کوچک و مرد و زن وجود ندارد، تغییر رنگ در پوست سر مستلزم پرداخت ارش با نظر پزشکی قانونی و متخصصین تعیین می‌گردد.^۱

مهلت پرداخت دیه

در جراحات عمدی مهلت پرداخت دیه تا یکسال پس از وقوع جنایت می‌باشد و در جرایم و جنایات شبه عمد، تا دو سال پس از وقوع جنایت و در خطاء محض، تا سه سال پس از وقوع جراحات، مگر آنکه با مجنی علیه توافق در جهت مهلت پرداخت نماید، که به بیشتر از مهلت مذکور توافق آنان بلامانع است لازم به ذکر است دیه تا ثلث آن تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد، ولی اگر از ثلث دیه تجاوز نماید دیه زنان، به نیمی از دیه مردان تقلیل می‌یابد. مسئول پرداخت دیه در جرایم خطایی اگر میزان جراحات و جنایت تا حد موضعه باشد، توسط

^۱ - تبصره ۱ و ۲ ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی



خود جانی و چنانچه بیشتر باشد توسط عاقله او پرداخت می‌گردد و دیه جراحات در ماههای حرام و غیر حرام تفاوتی ندارد و تشدید نمی‌گردد و تشدید دیه، اختصاص به قتل دارد.

شروع به رسیدگی دیات در شورای حل اختلاف

در پیشگفتار جزوه اشاره کردیم ارجاع پرونده دیات به شوراهای هدف سازش بین طرفین و یا رسیدگی مدنی مطالبه دیه تا میزان ده میلیون ریال و نیز در صورت توافق طرفین به هر میزان در شورای حل اختلاف بلا اشکال است زیرا با استفاده از بند هفتم آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ رسیدگی در شوراهای حل اختلاف به طور تراضی جایز و روا دانسته شده. فی المثل آقای الف با طرح دعوی به شورای حل اختلاف مدعی شده که آقای ب حین تغییر محل صندلی و جایگاه خودش موجبات سیاه شدگی در اعضاء بدنم شده، گواهی پزشکی قانونی را مصدق ادعای خود قرار داده که شورای حل اختلاف رسیدگی مدنی به چنین دعوی را در صلاحیت خود دانسته و شروع به رسیدگی می‌نماید.

دستور ثبت شکوائیه و عرضحال مدنی و ارجاع به شعبه شورای حل اختلاف

با وصول عرضحال و شکوائیه رئیس شورای حل اختلاف دستور ثبت آنرا به دبیرخانه شورای حل اختلاف صادر نموده و پس از ثبت پرونده در شعبه شورا و حضور طرفین در جلسه همانگونه که قبلاً اشاره شد، چنانچه شکایت کیفی دیه برای سازش به شورا ارجاع شود، شروع به رسیدگی از ناحیه شورا برای مصالحه بلامانع است. در این مرحله شورا مذاکرات لازم را جهت مصالحه به انجام می‌رساند و طبعاً گاهی اوقات مقصر حاضر می‌شود با پرداخت دیه یا قسمتی از آن رضایت شاکی را جلب نماید. لذا شورا موظف است بر مبنای توضیحات فوق میزان دیه را محاسبه، و به دو طرف اعلام نماید، تا مجنی علیه و جانی از میزان آن مطلع و با اطلاع کافی نسبت به دریافت و پرداخت دیه و یا مصالحه و گذشت نسبت به قسمتی از آن اقدام نمایند.

در صورتی که مساعی شورا در جهت مصالحه به نتیجه رسید و مجنی علیه با گرفتن تمام، یا قسمتی از دیه گذشت نمود، فی المثل در ایراد ضرب عمدی که رسیدگی به موضوع با شکایت شروع و با رضایت پرونده مختومه می‌شود، با گذشت شاکی، شورا بشرح ذیل مبادرت به صدور قرار می‌نماید.



رأی شورای حل اختلاف

در خصوص شکایت ... علیه ... دایر بر ایراد ضرب عمدی منجر به صدمه (سیاه شدگی - کبودی - تورم) نظر به اینکه با مساعی اعضای شورای حل اختلاف شاکی گذشت نموده لذا، مستنداً به بند ۲ ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری و با توجه به قابل گذشت بودن موضوع بزه، قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می گردد. رأی صادره با رعایت ماده ۱۸ آیین نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم) ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل رسیدگی تجدیدنظر در دادگاه عمومی جزایی است.

نام و امضاء اعضای شورا

نام و امضاء مشاور

در صورتی که، پرونده منجر به گذشت نشد، در مواردی که رسیدگی جزایی به موضوع در صلاحیت شورا نیست، مجنی علیه می تواند مطالبه دیه مدنی تا میزان ده میلیون ریال نماید، که در این صورت شورا می تواند رسیدگی را ادامه دهد، دیه بالاتر از آن منوط به تراضی دو طرف خواهد بود.

تذکر مهم: لازم به یادآوری است، چنانچه ایراد جرح عمدی منجر به گذشت شود؛ به لحاظ جنبه عمومی جرم، شورای حل اختلاف مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مجاز به صدور قرار موقوفی تعقیب نیست. حتی در صورت صلح و سازش و گذشت شاکی از حقوق خود، جهت رسیدگی به جنبه کیفری جرم جرح عمدی می بایست اصل پرونده به دادرسی عمومی و انقلاب محل وقوع جرم ارسال گردد.

رسیدگی مدنی درخصوص دیه جراحات در محدوده صلاحیت شورای حل اختلاف با صدور اخطاریه به خوانده ادامه می یابد. چنانچه مراتب دعوی خواهان مورد تصدیق خوانده قرار گیرد، شورا تصمیم مقتضی را به شکل آتی اتخاذ می نماید و اگر به موجب گواهی پزشکی قانونی ضمیمه شکایت نیاز به معاینه مجدد داشته باشد، مجدداً مصدوم جهت اخذ نتیجه درمان قطعی به پزشکی قانونی اعزام و پس از اخذ نظریه نهایی مراتب به خوانده اعلام، و صورتجلسه می گردد. چنانچه خوانده انتساب ایراد صدمه به خواهان را انکار نماید، از خواهان (مدعی) دلیل خواسته می



شود؛ چنانچه به شهود استناد کند، با رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی درخصوص شهود شورا قرار استماع شهادت شهود را صادر می نماید.

قرار استماع شهادت

به موجب ماده ۲۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی، در مواردی که مطابق مقررات گواهی و شهادت شهود مثبت دعوی یا موثر در آن باشد و یکی از طرفین بدان استناد کند، یا در صورتی که خود شورا استماع شهادت را لازم بداند، قرار آن را صادر می نماید.

نمونه قرار استماع شهادت شهود

با بررسی محتویات پرونده ملاحظه می گردد خواهان به گواهی گواهان استناد نموده و چون استماع گواهی (شهادت) موثر در تصمیم گیری نهایی است، لهذا قرار استماع گواهی گواهان صادر می گردد مقرر است دفتر ضمن تعیین وقت رسیدگی و دعوت طرفین به خواهان تذکر داده شود امضاء کنندگان ذیل استشهادیه را به عنوان گواه در جلسه مورخ... شورا با در دست داشتن شناسنامه یا کارت شناسایی معتبر، به شورا معرفی نماید.
نام و امضای اعضای شورای حل اختلاف..

ادامه رسیدگی و استماع شهادت شهود

در جلسه رسیدگی که وقت آن به طرفین و شهود ابلاغ شده، شورا شهادت شهود را استماع نموده و چنانچه شهود جهت رد نداشته باشند؛ شورا رأی مقتضی را براساس شکایت شاکی و شهادت شهود و گواهی پزشکی قانونی صادر نموده و به طرفین ابلاغ می نماید، ولی چنانچه شهادت شهود بنحوی نباشد که مصدق اظهارات شاکی باشد، دادگاه با درخواست خواهان به خوانده تکلیف سوگند نموده و چنانچه خوانده بر عدم انتساب ایراد صدمه بدنی سوگند اداء نماید، شورا حکم بر بی حقی و رد دعوی خواهان صادر می نماید، چنانچه خوانده از اتیان سوگند استنکاف نماید و شاهد هم نتواند صدق ادعای شاکی را شهادت داده و یا اصلاً شاهدهی اقامه ننماید، سوگند به خواهان رد می گردد و خواهان با اتیان یک سوگند که باید به لفظ جلاله الله باشد بر انتساب



ایراد صدمه بدنی از ناحیه خوانده به خود دعوی خویش را به اثبات میرساند و سپس اعضاء شورا مبادرت به اتخاذ تصمیم می نمایند^۱:

اعلام ختم رسیدگی و رأی شورای حل اختلاف

پس از تکمیل تحقیقات و استماع شهادت شهود و اتیان سوگند، اعضاء شورا ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل اقدام به صدور رأی می نمایند.

شورای حل اختلاف... شهرستان... شماره پرونده... دادنامه... خواهان... فرزند... آدرس...
موضوع: ایراد صدمه بدنی غیر عمدی منتهی به سیاه شدگی
خوانده:... فرزند... به آدرس...

گردشکار دادخواست خواهان... به شورا واصل که در تاریخ فوق رسیدگی به آن انجام و تحقیقات لازم صورت پذیرفته، لذا این شورا با بررسی اوراق پرونده خاتمه رسیدگی را اعلام، و بشرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی شورای حل اختلاف

الف- نمونه رأی حضوری

درخصوص دعوی آقای/خانم... علیه آقای/خانم... فرزند... ساکن... د اثر به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی منتهی به سیاه شدگی دست چپ این شورا با استماع اظهارات خواهان که به تأیید شهود رسیده و نظریه قطعی پزشکی قانونی، مستنداً به مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۳۰۲ و بند الف و د ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی خوانده را به پرداخت سه هزارم دیه کامله که مهلت پرداخت آن تا دو سال پس از وقوع جراحت می باشد محکوم می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی محل است.

امضاء مشاور نام و نام خانوادگی اعضاء شورای حل اختلاف

نکته مهم: در صورتی که محکوم علیه ارزاترین قیمت دیه یعنی قیمت شتر را انتخاب و قصد پرداخت آنرا در سال ۱۳۸۶ داشته باشد مبلغ ۱,۰۵۰,۰۰۰ ریال خواهد پرداخت بدیهی است چنانچه محکوم علیه بخواهد آنرا در سنوات بعد بپردازد به قیمت روز تأدیه خواهد نمود.

۱- ماده ۲۵۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۸۰/۱۰/۲۳



ظرف مدت یکسال در حق شاکی محکوم می نماید. رای صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شورا است.

نام و امضاء مشاور شورای حل اختلاف نام و امضاء اعضای شورای حل اختلاف

نمونه واخواهی از رای غیابی

ممکن است خوانده با اخطار شورا حاضر نشده باشد و از وقت دادرسی که توسط نشر آگهی بعمل آمده مطلع نشده باشد، یا اخطاریه ها به طور واقعی بوی ابلاغ نشده باشد، و صرفاً امر ابلاغ قانونی صورت گرفته باشد و لایحه ای هم نفرستاده باشد. در اینصورت اگر رأی شورا مبنی بر محکومیت غیابی وی بوده باشد، این رأی نسبت به خوانده غیابی محسوب می گردد و محکوم علیه غایب می تواند به استناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ به حکم غیابی اعتراض نماید. رسیدگی به واخواهی (اعتراض) او در همان شورا که رأی غیابی صادر نموده، بعمل می آید چنانچه ادله و مدارکی دال بر نقص رأی اولیه ارائه نماید، شورا رأی اولیه را نقض و مبادرت به صدور رأی مقتضی اعم از رد دعوی یا رد اعتراض وخواه براساس مدارک جدید ابرازی می نماید. نمونه ذیل، یک رأی غیابی است که مورد واخواهی محکوم علیه قرار گرفته.

گردشکار

به تاریخ... پرونده کلاسه... شماره دادنامه... مرجع رسیدگی شورای حل اختلاف...

واخواه: ... فرزند... به آدرس...

واخوانده:... فرزند... به آدرس...

خواسته واخواهی از دادنامه... غیابی

خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم نموده، که پس از ارجاع به این شعبه از شورای حل اختلاف ثبت و به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر جلسه شورا به تصدی امضاء کنندگان زیر تشکیل و با توجه به محتویات آن ختم رسیدگی اعلام و مبادرت به صدور رأی می نماید.



رأی شورا

نظر به اینکه واخواه آقای/خانم... صحت و اصالت مدارک ابرازی از سوی واخوانده را صریحاً پذیرفته و اذعان به انتساب جراحات وارده به او از ناحیه خود نموده، النهایه در مرحله واخواهی مدعی گردیده واخوانده ذمه وی را از هر گونه بدهی بری، نموده لیکن در جهت صحت این ادعا دلیلی ارائه ننموده است بنابر این چون حکم مورد واخواهی وی خالی از ایراد و اشکال و مغایرتی با موازین قانونی ندارد، لذا اعضای شورا ضمن تأیید دادنامه شماره... به رد اعتراض واخواه اظهارنظر می نمایند. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه عمومی محل است.

نام و امضاء و اعضای شورای حل اختلاف

نام و امضاء مشاور

اجرای احکام دیات جراحتهای ساده در شورای حل اختلاف

ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی مقرر داشته، در مواردیکه انجام وظایف و اجرای تصمیم شورای حل اختلاف مستلزم همکاری مراجع دولتی یا عمومی و ضابطین دادگستری است مراجع مذکور مکلف به همکاری بوده و در صورت تخلف مستوجب تعقیب کیفری، اداری، انتظامی خواهند بود. همچنین ماده ۱۹ آیین نامه مزبور اشعار داشته آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذینفع و به دستور رئیس شورای حل اختلاف با صدور اخطار اجرائی به موقع اجرا گذاشته میشود. چنانچه با ابلاغ اخطار دائره اجرایی، محکوم علیه ظرف ده روز حکم را اجرا ننماید، پرونده جهت اقدام قانونی برای اجرای حکم به اجرای احکام دادگاه یا دادگستری محل تحویل می گردد.



نمونه اجرائیه صادره از شورای حل اختلاف

مشخصات محکوم علیه	محکوم به	مشخصات محکوم له
نام و نام خانوادگی	به موجب دادنامه... مورخه... شورای حل اختلاف... محکوم علیه مکلف است مبلغ... در وجه محکوم له بعنوان دیه بپردازد	نام و نام خانوادگی
نام پدر		نام پدر
شغل		شغل
نشانی		نشانی و محل اقامت
<p>محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ ظرف ۱۰ روز مفاد رأی را اجرا نماید</p> <p>نام و نام خانوادگی و امضاء دبیرخانه شورای حل اختلاف</p> <p>نام و نام خانوادگی و امضاء رئیس شورای حل اختلاف</p> <p>مهر شورای حل اختلاف</p>		

محل گواهی مأمور ابلاغ:

